

مقاله پژوهشی: پیامدهای امنیتی فقدان نگاه آمایشی در تقسیم‌بندی‌های سرزمینی

کشور (مطالعه موردی: استان بوشهر)

20.1001.1.33292538.1401.12.43.9.8

حامد ابراهیمی^۱، احسان علیپوری^۲، حسین صادقی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

چکیده

استان بوشهر با توجه موقعیت مرزی خود در خلیج فارس و وجود مراکز حیاتی اقتصادی دارای بار امنیتی، دارای موقعیت حساس برای امنیت ملی کشور است. از طرفی به علت عدم توزیع عادلانه امکانات و خدمات در سطح استان، زمینه‌های وقوع بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی در آینده نزدیک در این استان وجود دارد که با توجه به حساسیت این استان برای کشور، مسائل حاد امنیتی را هم برای استان و هم برای کشور به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین توجه به این مسائل، نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است. به این صورت که ابتدا اوزان شاخص‌ها به روش FUZZY محاسبه و سپس، با استفاده از مدل TOPSIS شهرستان‌های محدوده مطالعاتی اولویت‌بندی شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد شهرستان بوشهر به‌عنوان مرکز استان از برخوردارترین شهرستان‌های استان محسوب می‌شود. در رتبه بعدی شهرستان کنگان عسلویه و جم قرار دارند و سپس شهرستان تنگستان و گناوه نیز در بدترین وضعیت برخوردار قرار دارند. آنچه که روشن است بسیاری از فعالیت‌ها در شهرستان‌های با نقش صنعتی بیشتر از ظرفیت و توان آن‌ها بارگذاری شده؛ به‌گونه‌ای که آلودگی‌ها و آثار مخرب زیست‌محیطی ایجاد نموده و ساختار نظام سکونتگاهی را با چالش و تهدیدهای اساسی روبرو خواهد کرد. همچنین عدم تعادل‌های ایجادشده پیامدهایی نظیر بیکاری، فقر، ناامنی در مرزها و ناپایداری سازمان فضایی سکونتگاه‌ها را به وجود خواهد آورد که امنیت استان را با چالش روبرو خواهد کرد. از این رو لازم است با یک برنامه‌ریزی بلندمدت در قالب برنامه‌ریزی آمایش در ایجاد ساختار فضایی متعادل منطقه گام برداشته شود.

۱. دکتری جغرافیای سیاسی گرایش سازماندهی سیاسی فضا (نویسنده مسئول) ha4140009@yahoo.com

۲. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین.

کلیدواژه‌ها: عدم تعادل فضایی، آمایش سرزمین، امنیت ملی، استان بوشهر.

۱. مقدمه

وجود نابرابری در یک سرزمین یا منطقه از موارد بسیار رایج و طبیعی از دیدگاه برنامه‌ریزان به شمار می‌رود. این نابرابری در بسیاری موارد می‌تواند ناشی از توان‌های طبیعی باشد که انسان در آن دخالتی ندارد؛ اما آنجا که انسان به‌عنوان یک کنشگر و هدایت‌کننده توسعه وارد عرصه می‌شود، یکی از وظایف مدیریتی وی برقراری توازن و تعادل نسبی در تعادل‌های فضایی کشور یا یک منطقه است. تجربه برنامه‌ریزی بخشی و سیاست محرومیت‌زدایی به شیوه کنونی که نابرابری و عدم تعادل بین مناطق کمتر توسعه‌یافته و مناطق توسعه‌یافته را به دنبال داشته است، باعث شکل‌گیری عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری منطقه‌ای در بین مناطق مختلف و به‌تبع آن شکل‌گیری این نابرابری‌ها در درون مناطق شده است (کلانتری و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۳). در واقع تمرکز امکانات توسعه در چند نقطه از یک کشور یا چند مکان از یک منطقه باعث می‌شود کلیه منابع مالی و انسانی و خدماتی در این نقاط محدود متمرکز شده و بقیه فضاها از نعمت پیشرفت و توسعه بازمانند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵: ۳۲). دستیابی به توسعه متعادل با روش‌های متداول کنونی که دولت بار اصلی توسعه را به دوش می‌کشد، اگر غیرمحمول نباشد، در حالت خوش‌بینانه بدون آمایش سرزمین امری طولانی و زمان‌بر خواهد بود (کلانتری و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱)؛ چراکه حفظ تعادل و کاهش عدم تعادل و اولویت‌بندی مناطق به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات یکی از اهداف اساسی آمایش سرزمین است. در واقع می‌توان گفت رسالت بنیادی آمایش سرزمین علاوه بر تحلیل نابرابری‌های فضایی جمعیت و فعالیت، تلاش برای تعادل بخشی و آرایش فضایی مطلوب آن‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی است (رهنما و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۶۴). در این میان مطالعات آمایش سرزمین به دلیل ماهیت همه‌جانبه‌نگر (جامع‌نگر)، درون‌نگر و داشتن نگاه راهبردی به سرزمین، می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در دستیابی به پارادایم توسعه سرزمینی مبتنی بر عدالت فضایی را دارا باشد.

از سوی دیگر شناسایی نابرابری‌های منطقه‌ای و محرومیت فضایی، دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را قادر می‌سازد تا مناطق محروم و فقیر را شناسایی نموده و

برنامه‌های ویژه‌ای برای کاهش شکاف و نابرابری و توجه به مناطق عقب‌مانده را در نظر بگیرند؛ چراکه تشدید نابرابری‌های فضایی، ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را تضعیف خواهد کرد که این امر پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گوناگونی را در پی دارد. این نکته را هم باید مدنظر قرار داد که هدف مطالعات نابرابری منطقه‌ای، برقراری کامل عدالت بین مکان‌ها و فضاها و جغرافیایی نیست؛ بلکه کاهش نابرابری و شکاف‌های به‌شدت بزرگ‌تر میان این مناطق در جهت دستیابی به توازن و تعادل نسبی است؛ بنابراین، روند توسعه در استان‌ها و نواحی مختلف کشور تحت تأثیر نگرش برنامه‌ریزی بخشی، منجر به شکل‌گیری چندین قطب رشد و به حاشیه رفتن برخی مناطق و نواحی مستعدتر و در نهایت باعث تمرکز جمعیت و فعالیت به شکلی نامتوازن شده است. این الگو نیز در درون استان بوشهر چالشی جدی بر سر راه توسعه یکپارچه و متوازن این استان ایجاد کرده است.

همچنین، عدم تعادل و نابرابری منطقه‌ای، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گوناگونی را در پی دارد. تمرکز زیرساخت‌های توسعه در یک یا چند منطقه موجب استفاده بیش از ظرفیت از امکانات آن منطقه و بلااستفاده ماندن ظرفیت‌های مناطق دیگر می‌شود. با وجود آنکه برقراری تعادل میان مناطق مختلف کشور، کاهش نابرابری و رفع محرومیت همواره مورد تأکید اسناد فرادستی کشور از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی آمایش سرزمین و برنامه‌های توسعه کشور بوده، اما تجربه پنج قرن اخیر در کشورمان نشان داده که هنوز اقدام مؤثری برای جلوگیری از شکاف‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای صورت نگرفته است.

استان بوشهر مانند اغلب استان‌های کشور از نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم تعادل‌های فضایی رنج برده و از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محرومیت نسبی به سر می‌برد. استان بوشهر به‌عنوان بخشی از نظام تقسیمات کشوری و به دلیل واقع شدن در بخش مرزی کشور، به‌رغم برخورداری از توان‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل محیطی و اقتصادی تاکنون نتوانسته به جایگاه واقعی خود در توسعه دست پیدا کند. عدم توزیع

عادلانه امکانات و خدمات در سطح استان با توجه موقعیت مرزی آن به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید. امنیت و توسعه در مناطق مرزی به‌ویژه در استان بوشهر دارای رابطه مستقیم و دوسویه می‌باشند؛ به‌گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه و رفاه ساکنان تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن در امنیت ملی دارد از سویی دیگر عدم توسعه یکپارچه سرزمینی پیامدهایی چون افزایش نارضایتی اجتماعی، افزایش آسیب اجتماعی و جرائم، شکل‌گیری تنش‌های قومی و افزایش واگرایی سیاسی و در نتیجه سبب شکنندگی امنیت ملی خواهد شد؛ بنابراین توجه به این استان در نظام برنامه‌ریزی کشور می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و امنیت پایدار این منطقه داشته باشد. از این رو برخورد یکپارچه و آمایشی در راستای بهره‌برداری معقول از قابلیت‌ها و توان‌های نواحی توسعه‌نیافته این استان می‌تواند به تزیق توسعه به این نواحی و خروج آن‌ها از انزوا و واپس‌ماندگی منجر شود؛ بنابراین توجه به مقوله نابرابری و تفاوت‌ها میان نواحی این استان و ارائه راهکارهایی جهت بهبود مسئله ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال تحلیل وضعیت نابرابری‌های منطقه‌ای و اثرات آن بر امنیت ملی کشور است. این استان با وجود توانایی‌های بالا در حیطه منابع طبیعی، آب، خاک، ذخایر نفتی، ذخایر عظیم و کم‌نظیر سنگ، حیطه‌های متنوع و گاه منحصربه‌فرد گردشگری، موقعیت ویژه سرزمینی، سرمایه انسانی و... از نواحی محروم و توسعه‌نیافته کشور است. پیامد این امر باعث رشد نامتوازن و افزایش شکاف و نابرابری بین این نواحی می‌شود که به تبع آن منجر به بهره‌برداری نامطلوب از منابع طبیعی، تخریب محیط‌زیست، رشد شتابان شهری و بروز پدیده حاشیه‌نشینی در نواحی نسبتاً توسعه‌یافته از یکسو و از سوی دیگر باعث مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، تخلیه روستاها، بلااستفاده ماندن ظرفیت‌های تولیدی و کاهش امنیت در نواحی توسعه‌نیافته می‌شود. در این مقاله نگارندگان در تلاش برای پاسخ به این پرسش‌های اساسی هستند که نخست، آیا بین شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های برخورداری تفاوت معناداری وجود دارد؟ و دوم چه

رابطه‌ای بین تعادلات منطقه‌ای در استان بوشهر و برقراری امنیت در این استان وجود دارد؟ در واقع بنا به دلایل فوق، شناخت ابعاد توسعه و نابرابری در این منطقه با تأکید بر چیدمان فضایی جمعیت و فعالیت می‌تواند راهگشای نابرابری‌ها و تعادل درون منطقه‌ای باشد و به بهبود امنیت در این استان مرزی بینجامد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی

۲-۱. پیشینه پژوهش

اولیویرا و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی با استفاده از روش‌های چند متغیره آماری نظیر تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای به سطح‌بندی توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور پرتغال پرداخته‌اند. آنان ۳۳ شاخص را در زمینه‌های گوناگون جمعیتی، اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، اشتغال، فرهنگی و محیطی جمع‌آوری نموده و با استفاده از تحلیل عاملی این شاخص‌ها را به ۴ عامل تقلیل داده‌اند سپس با استفاده از تحلیل خوشه‌ای، کل کشور را به چهار منطقه با درجه متفاوت توسعه‌یافتگی تقسیم نموده‌اند که عبارت‌اند از: مناطق روستایی کمتر توسعه‌یافته، مناطق روستایی توسعه‌یافته، مناطق شهری ساحلی و خوشه دو شهر اصلی. آنان در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که میان مناطق ساحلی و مناطق درونی عدم تعادل شدیدی وجود دارد. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش این است که این روش نسبت به رویکرد و روش اتحادیه اروپا که پنج منطقه برنامه‌ریزی پرتغال را همگن دیده، دقیق‌تر بوده و نابرابری‌ها را آشکار می‌کند (Oliveira Soares et al. 2003: 121).

فان و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی به ارزیابی و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در چین پرداخته‌اند. آنان با در نظر گرفتن شاخص‌های اقتصادی (نرخ مرگ‌ومیر کودکان و نرخ باسوادی) و با روش‌های ضریب جینی، آنتروپی، تایل و...، نابرابری‌های درآمدی و اجتماعی را بین مناطق داخلی و ساحلی، بین مناطق روستایی و شهری، بین زن و مرد در سال‌های مختلف اندازه‌گیری نموده‌اند. نتایج، حاکی از وجود نابرابری‌های عمیق از دهه ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۵ میلادی است. دلیل این امر این است که در عصر برنامه‌ریزی اقتصادی

به دلیل رویکردهای صنعتی محور و در دهه‌های اخیر طی راهبرد صادرات محور و شهر محور، دولت، سرمایه‌گذاری در مناطق داخلی و روستاها را فراموش کرده بود و همچنین، دلیل یکپارچگی توسعه در مناطق ساحلی چین، استفاده موفقیت‌آمیز از مدل تولید خوشه‌های صنعتی است. یکی از ویژگی‌های اساسی صنعتی‌سازی خوشه‌ای روستایی در این مناطق، روی کار آمدن دولت محلی به‌ویژه دولت شهرستان‌ها است. (Fan et al., 2011:47).

نظم‌فر و پادروندی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل تاپسیس فازی» در این پژوهش با استفاده از یازده مؤلفه مختلف توسعه در قالب ۵۰ شاخص (با تأکید بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی) با استفاده از مدل‌های کمی برنامه‌ریزی از جمله مدل تصمیم‌گیری چند معیاره شباهت به گزینه ایده‌آل TOPSIS و وزن‌دهی شاخص‌ها با تکنیک AHP، سطح‌بندی و میزان نابرابری‌های موجود در شهرستان‌های استان بررسی گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که لزوم توجه به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بر اساس منابع و محدودیت به‌منظور نیل به توسعه و پیشرفت متعادل و یکپارچه منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مردانی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سنجش میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمان و برنامه‌ریزی به‌منظور کاهش نابرابری‌های درون منطقه‌ای» به این نتیجه رسیده است که نابرابری‌های واضحی میان شهرستان‌ها از نظر توسعه وجود دارد. شهرستان‌های دارای اقتصاد صنعتی که عمدتاً در شمال و شمال غرب استان واقع‌اند، از بیشترین میزان توسعه‌یافتگی برخوردار بوده و شهرستان‌های دارای اقتصاد کشاورزی سنتی که عمدتاً در جنوب و جنوب شرقی آن واقع‌اند، کمترین میزان توسعه را دارا می‌باشند. ارتقای سیستم حمل‌ونقل، ایجاد اقتصاد پایدار با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، صنعتی‌سازی کشاورزی و مدیریت یکپارچه منطقه‌ای در نواحی جنوبی استان، از جمله مهم‌ترین راهبردهای توسعه منطقه‌ای به‌منظور کاهش نابرابری‌های درون منطقه‌ای در این استان مطرح می‌شوند.

۲-۲. ادبیات و مبانی نظری

۲-۲-۱. امنیت و توسعه

امنیت یا Security ریشه لاتین آن واژه Securus است. از حیث لغوی به معنای نداشتن دلهره و دغدغه، رهایی از تشویش، اضطراب، نااطمینانی و مخاطرات است، اما این سؤال مطرح می‌گردد که رهایی از کدامین دغدغه یا دل‌مشغولی مدنظر است؟ که در پاسخ آن به‌طور عمده بر نبود هر نوع تهدید اشاره می‌گردد و به عبارتی دربرگیرنده تمامی شئون انسانی است. (حافظنیا ۱۳۸۵: ۸۵ و افزوده، ۱۳۹۳: ۲۰)

امروزه تأمین امنیت خود منحصراً با تکیه بر قدرت نظامی و به‌کارگیری نیروهای انتظامی امکان‌پذیر نخواهد بود و ابعادی همچون اقتصاد و توسعه اقتصادی - اجتماعی سهم بسزایی در برپایی و تداوم آن دارند؛ درواقع برقراری امنیت و نیل به توسعه در سطح مناطق سبب امنیت همه‌جانبه سرزمین و حصول توسعه یکپارچه کلان ملی می‌شود. بدین سان از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، اکثر کشورهای در حال توسعه با مطالعات و برنامه‌ریزی فضایی به دنبال توسعه متعادل و کاهش شکاف توسعه بین مناطق می‌باشند (سحاب اندیشه، ۱۳۸۸: ۲۷).

به عبارت دیگر دو مفهوم توسعه و امنیت در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و درواقع محیط امن را می‌توان مقدمه تحولات اساسی و گردش در ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی جهت تحقق توسعه دانست و به عبارتی می‌توان لزوم وجود فضای مبتنی بر امنیت را مقدم بر برنامه و کنش‌هایی توسعه محور در نظر داشت (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۳).

۲-۲-۲. نگرش‌های حاکم در رابطه با توسعه و امنیت

با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و تحلیل تجربیات جهانی و مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌های توسعه، امنیت و دفاع در آمایش مناطق مرزی، می‌توان به‌طور کلی نگرش‌های حاکم را بر اساس نوع ساختارهای نظام سیاسی، اقتصادی و... به چهار گروه تقسیم نمود که به اختصار به چگونگی رابطه توسعه و امنیت و تقسیم‌بندی چهارگانه استنباطی فوق پرداخته می‌شود:

الف) نگرش قائل به تقدم امنیت بر توسعه: این نگرش قائل به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است. این نگرش قائل است که توسعه در بستر امنیت شکل می‌گیرد و تا زمانی که امنیت شکل نگیرد، امکان توسعه همه‌جانبه وجود ندارد. نمونه بارزی از چنین تفکری عراق است. این کشور با داشتن تراکم جمعیتی و تمرکز منابع نفتی و سوابق تاریخی ستیز تمدن‌ها در حول و حوش مرز شرقی خود اولویت نخست را به امنیت مناطق مرزی می‌دهد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۲). در چنین حالتی امنیت زمینه‌ساز استقرار فعالیت‌ها و سکونتگاه‌ها با توجه به مزیت مکانی آن‌ها است. مکان‌گزینی صنایع، تأسیسات و طرح‌های توسعه نیاز به فضاها و مکان‌های امن دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۶).

ب) نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت: این نگرش قائل به این است که هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه و توسعه‌یافتگی مناطق است. این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه‌نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس تحقق امنیت در مرزها ابتدا باید بر روی توسعه این مناطق تمرکز نمود (عزتی، ۱۳۹۰: ۷). کشورها و نظام‌های سیاسی معتقد به این دیدگاه، ویژگی‌های خاصی دارند که عبارت‌اند از: درجه‌ی توسعه‌یافتگی بالاتری نسبت به کشور همسایه داشته و سطح درآمد در آن‌ها بالاتر از کشور همسایه است. از آنجا که مناطق مرزی آن‌ها در مجاورت کشورهای توسعه‌نیافته قرار دارند، نتایج توسعه‌نیافتگی به همراه ناامنی از طریق مرز کشور هم‌جوار وارد کشورشان می‌شود و دارا بودن توان بسط و گسترش توسعه به داخل کشور هم‌جوار برای ایجاد یک حاشیه‌ی توسعه‌ای-امنیتی برای کشور و مردم از خصوصیات دیگر این دولت‌ها است. نمونه‌ی بارز چنین موردی مرز بین آمریکا و مکزیک است که تمام ویژگی‌های برشمرده فوق را در برمی‌گیرد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۳-۱۹۲). از طرف دیگر ما مجبوریم برای اینکه ضریب امنیت را در حاشیه کشور و مرزها افزایش دهیم، به انجام یکسری فعالیت‌های آمایشی مربوط به سایر بخش‌های توسعه ملی در آن مناطق دست بزنیم؛ برای مثال از شرق کشور در گذشته احساس تهدید نمی‌کردیم ولی الان می‌کنیم؛ بنابراین باید ساختار فضایی سکونت‌گاه‌های آن را متحول کنیم و الگوی توزیع جمعیت و فعالیت را تغییر دهیم. آمایش

سرزمین باید برای این امر فکری بنماید و قابلیت‌ها و فرصت‌های جدید را در منطقه تعیین نماید تا مکمل امنیت در این مناطق باشد؛ بنابراین دولت ناگزیر است در برنامه‌های آمایشی به تجهیز حاشیه‌های تخلیه‌شده یا تضعیف‌شده جمعیتی و ارتقای سطح معیشتی ساکنان آن مناطق بپردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۶).

ج) نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت: در این نگرش، عقیده‌ی غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم‌اند، بلکه ارتباط هم‌عرض و هم‌سنگ توسعه و امنیت برای آن حائز اهمیت است. اهمیت امنیت در کشورهایی که به این دیدگاه معتقدند با اهمیت توسعه، هم‌سنگ و در ارتباط با یکدیگر است. به عبارت دیگر در این کشورها درک متقابلی از توسعه و امنیت دیده می‌شود و آن‌ها را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند. از مهم‌ترین ویژگی‌های کشورهایی که چنین اعتقادی در آن‌ها رایج است و به آن عمل می‌شود، عبارت است از:

۱. داشتن محدودیت سرزمینی (کوچک بودن مساحت کشور).
۲. کشور، جزئی از مجموعه و نظام (سیستم) بزرگ‌تر است که در مجموع یک کل واحد و منسجمی تشکیل می‌دهند.
۳. ارتباط مرزی با کشورهای هم‌جوار بسیار فعال است.
۴. حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با آن طرف مرزها گره خورده است.
۵. نمونه بارز کشورهایی با ویژگی‌های بالا، کشورهای اروپای غربی عضو اتحادیه اروپایی است. در میان این کشورها، ارتباط فضایی بسیار گسترده و به تبع آن، ارتباط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار قوی است (همان، ۱۹۴-۱۹۳).

د) نگرش قائل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل: در این دیدگاه ارتباط بین توسعه و امنیت نادیده گرفته شده و درک متقابلی از سوی دست‌اندرکاران توسعه و امنیت نسبت به یکدیگر برقرار نشده است و توسعه و امنیت در مناطق مرزی بدون هماهنگی، هر یک راه خود را می‌پیماید. بنابراین، بحث اولویت نیز به‌طور جداگانه در هر دو میدان توسعه و امنیت توسط مسئولین آن‌ها مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی کشورهایی که چنین نگرشی در آن‌ها حاکم است عبارت‌انداز:

۱. گستردگی پهنه سرزمینی و ضعف پیوندهای فضایی بین مناطق مختلف کشور.
۲. ضعف پیوستگی فضایی با کشورهای هم‌جوار به دلیل گستردگی سرزمینی کشور.
۳. ضعف پیوستگی بین اجزای دستگاه گسترده‌ی اداری دولتی به‌ویژه در رابطه با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری.
۴. حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی و توسعه‌نیافتگی به همراه ناامن بودن آن‌ها.
۵. عدم وابستگی کشور به منابع واقع در مناطق مرزی.
۶. عدم توانایی دولت مرکزی و دستگاه‌های تابعه‌ی ملی و محلی در استفاده از منابع مناطق مرزی.

۷. گستردگی فضایی از کل منطقه و عدم تعادل‌های منطقه‌ای بین مناطق داخلی کشور. از این رو، در این کشورها گرایش غالب در ارتباط با برنامه‌ریزی، جدایی‌خواهی و تکروی در زمینه‌های مختلف و از جمله در امر توسعه و امنیت است. در چنین کشورهایی، مسئولین هر بخش از دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اداری کشور، اولویت را در اقدامات خود دیده و آن را جدای از اقدامات دیگر بخش‌ها می‌دانند و به‌طور اصولی در مورد ارتباط بخش‌های فعالیت با یکدیگر، نه در عرصه‌ی اندیشه و نه در صحنه‌ی عمل متمایل نمی‌شوند. نمونه‌ی بارز این کشورها جمهوری اسلامی ایران است. گستردگی پهنه‌ی ایران، داشتن مرز طولانی (هشت هزار کیلومتری) با پانزده کشور همسایه، تنوع شدید مناطق مرزی از کوهستانی، کویری، دریایی تا دشت و کوهپایه‌ای در کنار حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی و ویژگی‌های برشمرده در سیاست‌ها و برنامه‌های عملی، عدم تعادل فضایی در داخل و گستردگی فضایی با کشورهای هم‌جوار را موجب شده است (همان، ۱۹۵-۱۹۴).

۳-۲-۲. آمایش سرزمین

به نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهینه جمعیت فعالیت متناسب با بنیان‌های جغرافیایی، قابلیت‌های سرزمین به‌منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه را آمایش سرزمین می‌گویند (سرور، ۱۳۸۷: ۱۲۱). آمایش سرزمین در پی ایجاد تعادل توسعه بین نواحی، استفاده از منابع برای توسعه، توزیع عادلانه درآمد و فعالیت‌ها بین نواحی مختلف و تأکید بر توسعه

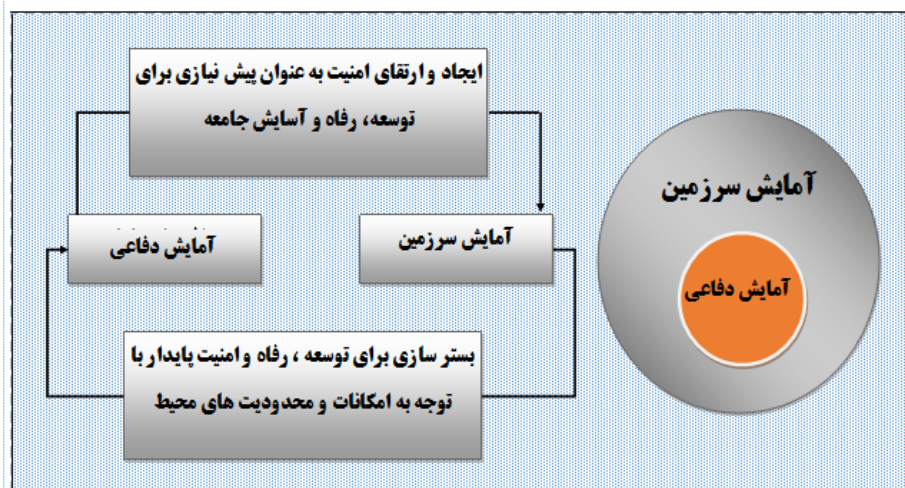
منابع و نواحی عقب‌افتاده و حاشیه‌ای و توسعه هماهنگ قطب‌ها توسعه و مراکز رشد است. ضمناً آمایش سرزمین، توسعه متعادل مناطق شهری و روستایی را در قالب نظام هماهنگ یکپارچه و توسعه هماهنگ زیربناها، خدمات و تسهیلات اجتماعی و اقتصادی متناسب با نیازمندی‌ها و محیط طبیعی و انسانی را در برمی‌گیرد. برای درک بهتر حدود و ثغور اصطلاح آمایش سرزمین، مهندسین مشاور ستیران آمایش سرزمین را این‌گونه تعریف نموده‌اند. برنامه‌ریزی و نحوه سازمان دادن، نحوه اشغال فضا و تعیین محل سکونت انسان‌ها و محل فعالیت‌ها، همچنین کنش‌های گوناگون نظام‌های اجتماعی اقتصادی. به نظر این گروه، آمایش سرزمین به‌خودی‌خود نمی‌تواند هدف باشد؛ بلکه بیان جغرافیایی و ترجمان نیات هدف‌هایی به شمار آید که سیاست دولت در آن تعیین کرده است (سرور، ۱۳۹۱: ۲۳).

۴-۲-۲. آمایش دفاعی - امنیتی

آمایش دفاعی - امنیتی به‌عنوان یکی از موضوعات راهبردی برای هر کشوری، همواره مورد توجه کارشناسان، صاحب‌نظران و تصمیم‌گیران مختلف جهان است. آمایش دفاعی - امنیتی را مهندسی ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی تعبیر کرده‌اند. در تعریف آمایش دفاعی - امنیتی آمده است: «سازمان‌دهی محیط جغرافیایی (فضای کشور) و توزیع معقول، منطقی و مناسب امکانات با توجه به تهدیدات و استفاده بهینه از قابلیت‌های محیطی به‌منظور ایجاد ثبات، بازدارندگی و مقابله با تهدیدات». به این ترتیب مقوله آمایش دفاعی - امنیتی به‌عنوان تلفیقی از چهار عنصر علم اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی و علوم دفاعی - امنیتی به‌عنوان تبیین دیدگاه درازمدت توسعه سرزمینی است (کامران و همکاران، ۱۳۹۲).

آمایش سرزمین در پی ایجاد تعادل توسعه بین نواحی استفاده از منابع برای توسعه، توزیع عادلانه درآمد و فعالیت‌ها بین نواحی مختلف، تأکید بر توسعه منابع و نواحی عقب‌مانده و حاشیه‌ای و توسعه هماهنگ قطب‌های توسعه و مراکز رشد است. با مطالعه تعاریف مختلف از آمایش سرزمین پی می‌بریم که انسان، سرزمین و فعالیت، رابطه معقولانه، کاربری بهینه تدبیر و تعادل فضایی تفکرات اصلی برنامه‌های آمایش است.

مقیاس آمایش سرزمین می‌تواند از یک روستای کوچک تا ناحیه بزرگ و حتی تا سطح یک کشور باشد (میرکتولی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۷۷).



شکل (۱): رابطه سلسله‌مراتبی آمایش دفاعی و آمایش سرزمین

۳. روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی است. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش استان بوشهر است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از روش‌های مختلف کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (با استفاده از ابزار پرسشنامه) اخذ شده است. در این پژوهش چهار بُعد «زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی» و ۵۲ زیرمعیار، با توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفته است. به این صورت که ابتدا اوزان شاخص‌ها به روش «Fuzzy» محاسبه و سپس، با استفاده از مدل «تاپسیس» شهرستان‌های محدوده مطالعه اولویت‌بندی شده است.

از آنجایی که در اکثر مطالعات برنامه‌ریزی منطقه‌ای با گونه‌ای از مسائل تصمیم‌گیری‌های چند معیاره^۱ مواجه هستیم که در اکثر موارد بیشتر از نوع روش‌های MADM هستند. در این تصمیم‌گیری به‌جای استفاده از یک معیار سنجش بهینگی از چندین

معیار سنجش ممکن است استفاده گردد. به همین دلیل در این بخش به منظور سنجش میزان نابرابری‌های منطقه‌ای شهرستان‌های استان بوشهر از روش‌های منطق فازی مثلثاتی برای وزن‌دهی شاخص‌ها و تکنیک ویکور^۱ برای رتبه‌بندی و سطح‌بندی استفاده شده است.

۳-۱. منطق فازی مثلثاتی

برای تعیین وزن هر یک شاخص‌های مؤثر در سنجش میزان نابرابری منطقه‌ای پرسشنامه‌ای طراحی شده و در اختیار کارشناسان و خبرگان برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین قرار گرفته. در طراحی این پرسشنامه جهت پرهیز از پیچیدگی زیاد، پاسخ‌های هر سؤال از پرسشنامه به صورت پیوستار هفت گزینه‌ای شامل الف) فوق‌العاده مهم، ب) خیلی مهم، ج) مهم، د) اهمیت متوسط، ه) کم‌اهمیت، و) خیلی کم‌اهمیت و ز) بی‌اهمیت، تعیین شد. سپس با استفاده از عملگرهای منطق فازی و تبدیل اعداد فازی به اعداد قطعی از فرمول مینکوسکی^۲.

عدد، عددی مزبور به اعداد قطعی تبدیل شد که در جدول زیر نشان

داده شده است (Sanayei, 2010).

جدول (۱): تبدیل اعداد مثلثی به اعداد قطعی

گزینه	عدد کیفی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی مثلثی قطعی شده
الف	فوق‌العاده مهم	(۰، ۰/۱، ۱)	۰/۹۷۵
ب	خیلی مهم	(۰/۱۵، ۰/۱۵، ۰/۸۵)	۰/۸۵
ج	مهم	(۰/۱۵، ۰/۶۵، ۰/۶۵)	۰/۶۵
د	اهمیت متوسط	(۰/۲، ۰/۲، ۰/۵)	۰/۵
ه	کم‌اهمیت	(۰/۱۵، ۰/۳۵، ۰/۳۵)	۰/۳۵
و	خیلی کم‌اهمیت	(۰/۱۵، ۰/۱۵، ۰/۱۵)	۰/۱۵
ز	بی‌اهمیت	(۰، ۰/۱، ۰)	۰/۰۲۵

منبع: (Phua, 2005)

1. Vicor.
2. Minkowsky.

جدول زیر اوزان به‌دست‌آمده از روش منطق فازی مثلثاتی به‌منظور تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای استان بوشهر را نشان می‌دهد:

جدول (۲): اوزان به‌دست‌آمده از روش فازی مثلثاتی

وزن	زیر معیار	معیار
0.018541	تعداد مراکز آموزش عالی به ازای ده هزار نفر	آموزشی
0.020067	سهم شهرستان‌ها از تعداد اختراعات ثبت‌شده	
0.017347	نرخ رشد متوسط سالانه تکسین‌های دارای تحصیلات عالی	
0.016783	نرخ رشد متوسط سالانه دانش‌آموختگان دانشگاهی	
0.016916	نرخ رشد متوسط سالانه شاغلین با تحصیلات عالی	
0.017579	سهم شهرستان از تعداد کارآموزان فنی و حرفه‌ای	
0.017646	سهم شهرستان از دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی	
0.01675	تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی به ازای هزار نفر	
0.014262	تعداد دانشجویان دانشگاهی به ازای هزار نفر	
0.013035	تعداد کتابخانه‌های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
0.014793	تعداد کتب کتابخانه‌های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
0.0135	تعداد مراجعین به کتابخانه‌های عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
0.02282	نرخ باسوادی زنان	
0.022588	نرخ باسوادی مردان	
0.013931	نسبت شاغلین با تحصیلات عالی کل شاغلین	زیست محیطی
0.020697	تعداد خودروی حمل‌زیاله به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
0.020399	سرانه تولید زیاله	
0.020664	نسبت چاه‌های عمیق و نیمه عمیق به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	
0.01884	سرانه میزان بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی	
0.019072	سرانه مصرف فرآورده‌های نفتی	
0.020432	سرانه میزان کود شیمیایی توزیعی	
0.016286	سرانه فضاهای سبز شهری	
0.01685	سرانه پارک‌های عمومی	
0.024114	تعداد مراکز بهداشت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	

وزن	زیر معیار	معیار
0.023052	تعداد داروخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	اجتماعی
0.022555	تعداد آزمایشگاه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	
0.02146	تعداد دندانپزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	
0.019835	تعداد پزشک متخصص به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	
0.02345	تعداد پزشک عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	
0.016286	میزان رضایتمندی مردم از عملکرد ادارات و نهادها	
0.01549	میزان افزایش هنجارها و نابهنجاری‌های اجتماعی در پنج سال اخیر	
0.017613	میزان افزایش هنجارها و نابهنجاری‌های اجتماعی در پنج سال اخیر	
0.016186	میزان اعتماد مردم به اصناف و افراد	
0.019138	حس وطن‌دوستی و حساسیت مردم نسبت به عمران و آبادی کشور	
0.017878	میزان رضایتمندی از جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی	
0.022621	سهم افراد شاغل بخش صنعت	اقتصادی
0.023052	سهم افراد شاغل بخش خدمات	
0.012836	سهم افراد شاغل بخش کشاورزی	
0.024644	جمعیت فعال	
0.023318	جمعیت شاغل	
0.021095	تعداد واحدهای بانکی	
0.019536	مبلغ سپرده‌های بانکی (میلیون ریال)	
0.021958	سرانه خطوط انتقال و فوق توزیع هر مشترک	
0.019437	ضریب نفوذ تلفن ثابت	
0.016717	ضریب نفوذ تلفن همراه	
0.014395	تعداد دفاتر پستی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر	
0.024843	ضریب توزیع بزرگراه	
0.025872	ضریب توزیع واحدهای تولیدی	
0.025838	ضریب توزیع سرمایه‌گذاری واحدها	
0.023019	ضریب توزیع طرح‌های صنعتی	
0.017115	ضریب توزیع اراضی زراعی	
0.01685	ضریب توزیع اراضی باغداری	

۲-۳. مدل تاپسیس

اساس این تکنیک، بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، به‌طور یکنواخت افزایشی یا کاهش‌ی است. حل مسئله با این روش مستلزم طی شش گام زیر است:

۱. کمی کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم (N)
 ۲. به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس موزون (V)
 ۳. تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی
 ۴. به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل مثبت و منفی
 ۵. تعیین نزدیکی نسبی CL یک گزینه به راه‌حل ایده‌آل
- رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که (CL) آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

جدول (۳): محاسبه مقدار CL و رتبه‌بندی نهایی

رتبه	CL	شهرستان
1	0.54	بوشهر
2	0.298004	کنگان
3	0.20764	جم
4	0.149404	دیلم
5	0.11584	دشتستان
6	0.10526	دیر
7	0.101513	دشتی
8	0.068275	گناوه
9	0.019019	تنگستان

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

مدل‌سازی انجام شده از ترکیب دو روش فازی و تاپسیس نشان‌دهنده اختلاف زیاد توسعه بین شهرستان‌های استان است. سه شهرستان بوشهر، کنگان و جم به ترتیب بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. بارگذاری فعالیت‌های صنعتی در این محدوده استان سبب شده است که اکثر خدمات را به سمت خود کشیده و اختلاف فاحشی با سایر مناطق استان ایجاد نمایند. پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی همواره به صورت تبعات امنیتی نمود پیدا خواهد کرد.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بین نرخ بیکاری، قاچاق کالا، مهاجرت و دیگر پیامدهای امنیتی با سطح توسعه‌یافتگی مناطق رابطه وجود دارد. به طور مثال شهرستان تنگستان که در پایین‌ترین سطح توسعه قرار دارد، بالاترین نرخ بیکاری را شامل می‌شود. همچنین خور بین گناوه و دیلم مکان مناسبی را جهت پهلوگیری شناورها و قاچاق کالا فراهم نموده است. مهاجر فرستی که در شهرستان‌های تنگستان، دشتی، دشتستان و دیر وجود دارد، ناشی از عدم وجود زمینه اشتغال در این شهرستان‌ها است که همواره پیامدهای آن به صورت امنیتی بروز خواهد نمود.

موج مهاجرت و نبود سازمان‌دهی در زمینه حرکت جمعیت در پیدایش تمرکزهای جمعیتی و اشاعه بزهکاری شهری نقش دارد؛ به طوری که زمینه تنوع قومی را فراهم نموده در نتیجه کاهش انسجام و توافق اجتماعی در استان و به تبع سبب کاهش امنیت در منطقه می‌شود. در واقع می‌توان گفت عدم توزیع فضایی فعالیت‌ها در استان همواره شکاف و نابرابری بین شهرستان‌های استان را زیاد نموده است و یکی از اصل‌های آمایش سرزمینی که تعادل‌گرایی است به فراموشی سپرده شده است. تمرکز فعالیت‌های صنعتی در سه شهرستان بوشهر، کنگان و جم علاوه بر اینکه گسست فضایی ایجاد نموده است، سبب مشکلات زیست‌محیطی و امنیتی برای خود این شهرستان‌ها شده است.

۲-۴. یافته‌های تحقیق

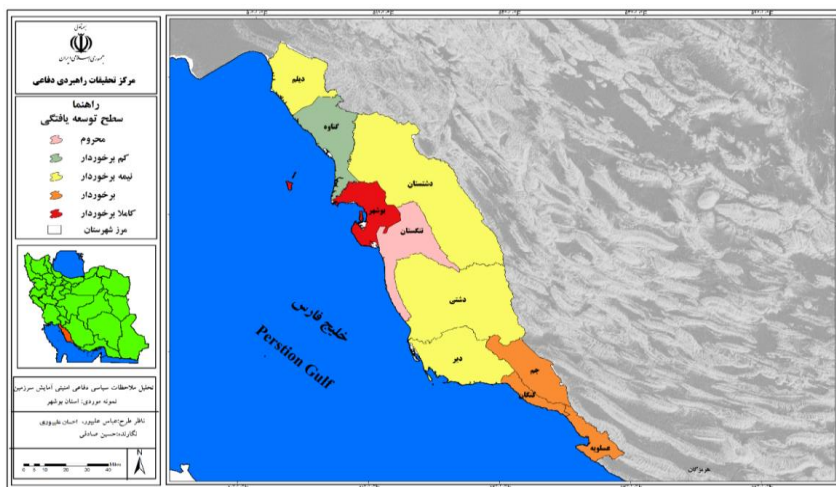
وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه ناموزون در یک منطقه آسیب‌های متنوع و زیادی را می‌تواند در ابعاد و حوزه‌های مختلف شامل حال یک آن منطقه و به تبع آن، کشور نماید. همان‌طور که در مباحث فوق ملاحظه شد، شهرستان بوشهر به‌عنوان مرکز استان، از برخوردارترین شهرستان‌های استان محسوب می‌شود. در رتبه بعدی شهرستان کنگان عسلویه و جم قرار دارند که تحت تأثیر صنایع پارس جنوبی از رشد بالایی برخوردار شده‌اند. هرچند از نظر اقتصادی وضعیت این مناطق مناسب‌تر است؛ اما بارگذاری زیاد فعالیت‌های صنعتی به‌ویژه در منطقه عسلویه همواره تبعات زیست‌محیطی منفی به‌جا گذاشته و امنیت ساکنین محدوده را با مشکلاتی روبرو نموده است. شهرستان تنگستان و گناوه نیز در بدترین وضعیت از نظر برخورداری قرار دارند که همواره زمینه را برای قاچاق کالا و فعالیت‌های غیرمجاز فراهم نموده و همواره امنیت اقتصادی این شهرستان‌ها را با چالش روبرو نموده است. گسترش نابرابری‌ها در جامعه ناشی از توزیع ناعادلانه، بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز مسائل و نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید.

تراکم بیش از حد فعالیت در جنوب استان بوشهر به‌ویژه عسلویه سطح شکنندگی و آسیب‌پذیری این منطقه را با تهدید و چالش روبرو نموده است. مشکلات زیست‌محیطی ناشی از بارگذاری زیاد فعالیت، همواره ساکنین منطقه را به انواع بیماری‌ها و خطرات ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه کرده است. علاوه بر این، ناموزونی در توسعه شهرستان‌های استان بوشهر و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در دو شهرستان بوشهر و کنگان - عسلویه می‌تواند باعث ناپایداری و شکنندگی اقتصاد به‌ویژه هنگام شکل‌گیری بحران‌های خاص در این مناطق گردد و با توجه به وجود مراکز حیاتی مانند نیروگاه اتمی بوشهر پیامدهای امنیتی مهمی را برای کشور به وجود آورد.

عدم تعادل فضایی در یک منطقه می‌تواند امنیت انسانی درون آن را از یک طرف و امنیت ملی را از طرف دیگر با چالش مواجه کند. این مسئله به‌ویژه در خصوص مناطق حاشیه‌ای و مرزی اثری مضاعف دارد؛ چون اگر مناطق حاشیه‌ای از توسعه عقب بمانند و

سیاستمداران مشکلات و مسائل مردمان حاشیه را حل نکنند، ناگزیر مهاجرت از حاشیه به مرکز رخ خواهد داد و مهاجران مشکلات و معضلات مناطق حاشیه و توسعه نیافته را با خود به مرکز خواهند آورد و در فاصله‌ای نزدیک‌تر به مرکز، حاشیه‌ای نوین خواهند آفرید که خطرات امنیتی این حاشیه‌ها به مراتب بیشتر از نوع قبل خواهد بود. علاوه بر این، خالی شدن مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور از جمعیت، آسیب‌پذیری مرزها و در نتیجه امنیت ملی کشور را در این ناحیه به مخاطره خواهد انداخت.

درواقع توزیع ناعادلانه منابع و امکانات نه تنها به گسترش فقر و شکاف اجتماعی و اقتصادی دامن می‌زند، بلکه زمینه‌های افزایش نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را در استان فراهم می‌کند که از این منظر می‌تواند به‌عنوان یک تهدید جدی محسوب شود. همچنین سبب خواهد ساختار نظام سکونتگاهی دچار تغییراتی گردد و روند مهاجرتی رو افزایش دهد. آنچه که واضح است سطح توسعه و برخورداری شهرستان تحت تأثیر فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص بخش صنعت قرار گرفته است؛ به طوری که دو قطب رشد بوشهر و عسلویه با جذب فعالیت‌های صنعتی، ساختار فضایی منطقه را به یک ساختار نامتعادل تبدیل نموده است. از این رو می‌توان گفت نقش صنعتی این شهرستان‌ها تأثیر بسزایی در برخورداری آن‌ها نسبت به سایر مناطق داشته است.



۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

دستیابی به توسعه متعادل با روش‌های متداول کنونی که دولت بار اصلی توسعه را به دوش می‌کشد، اگر غیرمحمتمل نباشد، در حالت خوش‌بینانه بدون آمایش سرزمین امری طولانی و زمان‌بر خواهد بود. تجربه برنامه‌ریزی بخشی و سیاست محرومیت‌زدایی به شیوه کنونی که عدم تعادل‌های موجود و گسترش شکاف روزافزون میان مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته کشور را به دنبال داشته است.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده نابرابری و عدم تعادل‌های فضایی بین شهرستان‌های استان بوشهر است. به‌منظور بررسی میزان نابرابری‌ها از منطق‌فازی و ضریب تاپسیس بهره‌گرفته شده که نشان‌دهنده اختلاف دو قطب رشد بوشهر و عسلویه نسبت به سایر شهرستان‌های استان بوده است. در واقع تحلیل‌ها نشان می‌دهد شهرستان بوشهر به‌عنوان مرکز استان، برخوردارترین شهرستان استان محسوب می‌شود در رتبه بعدی شهرستان کنگان عسلویه و جم قرار دارند که تحت تأثیر صنایع پارس جنوبی از رشد بالایی برخوردار بوده‌اند. شهرستان تنگستان و گناوه نیز در بدترین وضعیت از نظر برخورداری قرار دارند؛ بنابراین در پاسخ به سؤال مطرح‌شده که بین شهرستان‌های استان از نظر برخورداری تفاوت معناداری وجود دارد می‌توان گفت بخش صنعت به‌عنوان بخش پیش‌روی اقتصادی شهرستان‌های برخوردار، تأثیر بسزایی در ایجاد عدم تعادل‌های منطقه‌ای داشته است؛ به‌گونه‌ای که شهرستان‌های با نقش صنعتی از سطح توسعه بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، اینکه چه رابطه‌ای بین تعادلات منطقه‌ای در استان بوشهر و برقراری امنیت در این استان وجود دارد؟ این نتیجه حاصل شده است که: بسیاری از فعالیت‌ها در شهرستان‌های با نقش صنعتی، بیشتر از ظرفیت و توان آن‌ها بارگذاری شده، به‌گونه‌ای که آلودگی‌ها و آثار مخرب زیست‌محیطی ایجاد نموده و ساختار نظام سکونتگاهی را با چالش و تهدیدهای اساسی روبرو کرده که امنیت منطقه و به‌تبع آن امنیت ملی را همواره تهدید می‌کند. بارگذاری فعالیت‌های صنعتی در جنوب استان سبب شده

است که اکثر خدمات را به سمت خود کشیده و اختلاف فاحشی با سایر مناطق استان ایجاد نموده است و پیامدهای آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی همواره به صورت تبعات امنیتی نمود پیدا خواهد کرد.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بین نرخ بیکاری، قاچاق کالا، مهاجرت و دیگر پیامدهای امنیتی با سطح توسعه‌یافتگی مناطق رابطه وجود دارد. به طور مثال شهرستان تنگستان که در پایین‌ترین سطح توسعه قرار دارد، بالاترین نرخ بیکاری را شامل می‌شود. همچنین خور بین گناوه و دیلم، مکان مناسبی را جهت پهلوگیری شناورها و قاچاق کالا فراهم نموده است. مهاجرت‌های گسترده که از شهرستان‌های تنگستان، دشتی، دشتستان و دیر به سایر مناطق وجود دارد، ناشی از عدم وجود زمینه کاری در این شهرستان‌ها است که همواره پیامدهای آن به صورت امنیتی بروز خواهد نمود. این موج مهاجرت و نبود سازمان‌دهی در زمینه حرکت جمعیت، در پیدایش تمرکزهای جمعیتی و اشاعه بزهکاری شهری نقش دارد؛ به طوری که زمینه تنوع قومی را فراهم نموده در نتیجه کاهش انسجام و توافق اجتماعی در استان و به تبع سبب کاهش امنیت در منطقه می‌شود. همچنین عدم تعادل‌های ایجادشده، پیامدهایی نظیر بیکاری، فقر، ناامنی در مرزها و ناپایداری سازمان فضایی سکونتگاه‌ها را به وجود خواهد آورد. از این رو لازم است با یک برنامه‌ریزی بلندمدت، در قالب برنامه‌ریزی آمایشی، در ایجاد ساختار فضایی متعادل منطقه گام برداشت.

۲-۵. پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود از تمام ظرفیت‌های استان در راستای تعادل بخشی استفاده گردد؛ به طوری که شمال محدوده از ظرفیت و پتانسیل بالایی در زمینه گردشگری برخوردار است که در صورت بهره‌گیری می‌تواند در ایجاد ساختار متعادل فضایی در استان کمک شایانی نماید. سایر پیشنهادها نیز به شرح زیر است:

۱. جایگزینی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به دلیل ماهیت همه‌جانبه (جامع‌نگر) - دورنگر به‌جای رویکرد بخشی در نظام برنامه‌ریزی کشور.
۲. گسترش فعالیت‌های اکوتوریسم و ژئوتوریسم در نواحی محروم.
۳. گسترش فعالیت‌های اکتشافی جهت شناسایی تفصیلی ذخایر کانی و بهره‌برداری از آن‌ها و توسعه صنایع معدنی در نواحی محروم.
۴. استقرار صنایع متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فعالیت در نواحی محروم.
۵. توجه به توانایی‌های بالا در حیطه منابع طبیعی، آب، خاک، ذخایر نفتی و گازی، در نواحی محروم.
۶. افزایش راندمان تولید در بخش کشاورزی، گسترش خدمات کشاورزی، توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی در جهت ترویج هر چه بیشتر کشاورزی تجاری در نواحی محروم.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۹۰)، بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴: رویکردی چندجانبه، *فصلنامه راهبرد*، صص ۸۰-۵۳.
- افرخته، حسن و حجی‌پور، محمد (۱۳۹۲)، آمایش سکونتگاه‌های مرزی در راستای شناخت کانون‌های تهدید امنیت مورد: روستاهای استان خراسان جنوبی، *فصلنامه اقتصاد فضا*، دانشگاه خوارزمی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین*، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- رهنما، محمدرحیم و آقاجانی، حسین (۱۳۹۱)، تحلیل نابرابری‌های فضایی در استان خراسان رضوی، *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، شماره ۵، صص ۸۸-۶۳.
- سرور، رحیم (۱۳۸۷)، *برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه عمران ناحیه‌ای*، تهران، گنج هنر.
- عزتی، نصرالله؛ حیدری‌پور، اسفندیار و اقبالی، ناصر (۱۳۹۰)، نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی، مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران، *مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ش ۱۲.
- عنادلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، *نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج. ۱.۱*، تهران، انتشارات دافوس آجا.
- کامران، حسن؛ حسینی امینی، حسن و شهریاری، مهدی (۱۳۹۲)، *آمایش دفاعی سرزمین (از منظر پدافند غیرعامل)*، تهران، انتشارات آثار معاصر، چ ۱.
- کلاتری، خلیل و عبدالله‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۱)، *برنامه‌ریزی فضایی و آمایش سرزمین*، تهران، فرهنگ صبا.
- معصومی اشکوری، سید حسین (۱۳۸۵)، *اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، تهران، انتشارات پیام.
- منافی آذر، رضا و جعفر میرکتولی (۱۳۸۸)، *درآمدی به اقتصاد فضا*، چ ۱، گرگان، دانشگاه گلستان.
- نظم‌فر، ح و پادروندی، ب (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، صص ۱۲۲-۱۰۳.

ب. منابع انگلیسی

- Fan, P. H. J. P., Huang, J., & Zhu, N. (2011). "***Distress without bankruptcy: an emerging market perspective***". Available at www.ssrn.com.
- Oliveira, L., Rodrigues, L.L. and Craig, R. (2006), "Fi m-specific determinants of intangibles reporting: evidence from the Po tugue e tock ma ket", *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, 10(1), 11-33.
- PLPD (pat luckin Planning and Development) team (2007), *THE SPATIAL DEVELOPMENT FRAMEWORK of Endumeni Municipality*.
- Sanayei, A. Mousavi, S. Farid, Yazdankhah, A (2010); *Group decision making process for supplier selection with Vikor under fuzzy environment*, vol 37, pp 24-30
- Talen, Emily(2006), *Visualization Fairness, Equity Maps for Planer APA*.